

پیشگفتار

غرض از تألیف این کتاب ارائه محتوایی مناسب برای دانشجویان رشته برنامه‌ریزی درسی به‌ویژه در دوره کارشناسی است. قاعدتاً مطالب کتاب *مقدمات برنامه‌ریزی درسی* باید طوری انتخاب شود که دانشجویان گرایشهای مختلف که این درس را می‌گذرانند، بتوانند در خصوص جنبه‌های اصلی برنامه‌ریزی درسی مطالبی بیاموزند. هرچند انجام دادن این کار برای نگارنده آسان نبود، ولی با بهره‌گیری از تجارب چندساله خود در تدریس این درس در دانشگاههای مختلف و گرفتن بازخورد از آموخته‌های دانشجویان، امکان تألیف این کتاب را فراهم یافت. با اینکه تلاش شده است از طریق نشان دادن ارتباط برنامه‌ریزی با تعلیم و تربیت و همچنین مباحث اصلی برنامه‌ریزی درسی، به یادگیری دانشجویان کمک شود ولی برای کسب اطمینان از تناسب محتوای کتاب با سطح انتظار دانشجویان، باید پس از تدریس به شیوه‌ای ممکن ارزشیابی به‌عمل آید.

یکی از مشکلات مؤلف این بود که با مخاطبان متنوعی روبه‌رو بود؛ این ویژگی امکان برنامه‌ریزی و تألیف دقیق را فراهم نمی‌کند و انتخاب و سازماندهی محتوا را مشکل می‌سازد. امید است با دریافت بازخورد، بتوان اقدامات اصلاحی را برای بهبود و تکمیل محتوای کتاب انجام داد.

مقدمه

«برنامه‌ریزی درسی» آمیخته‌ای از نظر و عمل است: آنانی که صرفاً به مباحث علمی و نظری می‌پردازند و در عمل تجاربی نمی‌اندوزند در برنامه‌ریزی درسی توفیق لازم را به دست نمی‌آورند؛ همچنین، افرادی که تصور می‌کنند صرفاً از طریق تجربه‌های عملی می‌توانند مجوز ورود به برنامه‌ریزی و تألیف کتاب درسی را به دست آورند درست نمی‌اندیشند. به‌همین دلیل کتابهایی که برای آموزش در دانشگاهها تألیف می‌شوند باید از طریق ترکیب نظر و عمل، روشهای کاربردی را - در هر یک از مراحل برنامه‌ریزی درسی - ارائه کنند و خواننده را برای عمل آماده سازند.

موضوع دیگری که باور و اعتقاد مؤلف به شمار می‌آید ارتباط محتوا با ویژگیهای فلسفی و اجتماعی کشور است. بدون تردید بین دیدگاههای فلسفی و برنامه‌ریزی درسی، رابطه‌ای قوی وجود دارد و نمی‌توان در این خصوص ملاکهای ارزشی را نادیده گرفت. در محتوای کتاب، ضمن رعایت بُعد علمی مطالب، به جایگاه نظام اعتقادی و ارزشی در برنامه درسی نیز توجه شده است.

نکته سوم اینکه در محتوای کتاب، «طراحی برنامه درسی» از «برنامه‌ریزی درسی» تفکیک شده است، زیرا در تهیه برنامه‌های درسی قبل از پردازش عملی هر یک از عناصر، باید جنبه‌های فکری و ارزشی آنها تحلیل شوند: اگر جایگاه و ارزش هر یک از عناصر به درستی تبیین نشود، نمی‌توان در فضایی تعریف شده و شفاف برنامه‌ریزی کرد؛ به انجام دادن این کار در حوزه برنامه درسی «طراحی برنامه درسی» گفته می‌شود. پس از این مرحله است که نحوه برنامه‌ریزی و تعیین عناصر برنامه درسی با ارائه روشهای مشخص بررسی می‌شود.

هدفهای یادگیری

نظر به اینکه این کتاب برای مخاطبانی معین و با جهت‌گیری مشخصی تألیف می‌شود، می‌توان شناخت موارد زیر را از هدفهای آن برشمرد:

۱. رابطه برنامه‌ریزی با تعلیم و تربیت؛
۲. مفهوم برنامه و برنامه‌ریزی درسی؛
۳. فرایند برنامه‌ریزی درسی؛
۴. روشهای برنامه‌ریزی درسی برای هر یک از عناصر اساسی برنامه درسی؛
۵. چگونگی طراحی و تولید کتاب درسی؛
۶. ویژگیها و چگونگی ارزشیابی برنامه درسی؛
۷. چگونگی اجرای برنامه درسی.

ساختار کتاب

کتاب دارای ده فصل است و هر یک از فصول آن به یکی از مباحث اصلی و مهم برنامه‌ریزی درسی می‌پردازد:

در فصل اول، درباره جایگاه برنامه‌ریزی درسی در تعلیم و تربیت بحث می‌شود. سعی بر این است که در این فصل، رابطه برنامه‌ریزی با تعلیم و تربیت توضیح داده و معلوم شود که اصولاً برنامه‌ریزی فرایند و وسیله بهسازی فعالیتهای تربیتی است. در فصل دوم، برنامه‌ریزی درسی به مثابه یک فرایند بررسی می‌شود. قبل از بحث درباره هر یک از مراحل برنامه‌ریزی درسی، لازم است با نگاهی کلی به این فرایند توجه شود تا زمینه فکری برای مطالعه توضیحات مربوط به تصمیم‌گیریهای بعدی برنامه‌ریزی فراهم آید.

فصل سوم، مطالب نیازسنجی را دربرمی‌گیرد: اصول، روشها و فنون نیازسنجی بررسی و معلوم می‌شود که بدون نیازسنجی، نمی‌توان برای برنامه‌ریزی اقدام کرد. برای تهیه برنامه‌های درسی مناسب، باید نیازهای آموزشی به روش علمی معلوم و اولویت‌بندی شوند.

در فصل چهارم، درباره جایگاه هدف در برنامه درسی، منابع تعیین هدف،

ابعاد و انواع هدف و اصول و روشهای تعیین هدف بحث می‌شود. فصل پنجم به انتخاب محتوا و تجربیات یادگیری مربوط می‌شود. در مطالب این فصل، تا حد زیادی معلوم می‌شود که محتوا دارای چه ماهیتی است و مطابق کدام اصول انتخاب می‌شود.

فصل ششم چگونگی سازماندهی محتوای برنامه‌ی درسی را دربرمی‌گیرد: درباره‌ی اصول انتخاب محتوا و روشها و فنونی که در سازماندهی آن باید ملاک عمل قرار گیرد بحث می‌شود. دانشجویان با ملاحظه‌ی این روشها، متوجه می‌شوند که چگونگی تنظیم و سازماندهی محتوا تأثیر بسیار زیادی در یادگیری دارد و به تناسب نوع درس، می‌توانند از روش مناسب سازماندهی استفاده کنند.

فصل هفتم مباحث انتخاب روشهای تدریس را دربرمی‌گیرد: از اصول انتخاب راهبردهای یاددهی - یادگیری بحث و چند روش معرفی می‌شود.

در فصل هشتم، در خصوص شیوه‌ی طراحی و تولید کتاب درسی بحث می‌شود. نظر به اینکه معمولاً به تولید کتاب درسی توجه جدی نمی‌شود و در طراحی و تألیف آن اصول علمی رعایت نمی‌شود، چه بسا محتوای این فصل مفید باشد. بنابراین، خواننده‌ی کتاب با مطالعه‌ی این فصل با چگونگی طراحی و تولید کتاب درسی - به منزله‌ی ابزاری برای یادگیری - آشنا می‌شود.

فصل نهم به ارزشیابی برنامه‌ی درسی اختصاص دارد: ارزشیابی تشخیصی، ارزشیابی تکوینی و ارزشیابی مجموعی.

فصل دهم چگونگی اجرای برنامه‌ی درسی را بررسی می‌کند. با مطالعه‌ی این فصل معلوم می‌شود که بدون برنامه‌ریزی صحیح برای اجرای برنامه‌ی درسی، دستیابی به هدفهای موردنظر ممکن نیست.

دلالتهای یادگیری

در این کتاب از طریق توجه به چند نکته‌ی اساسی سعی شده است به قابلیت یادگیری افزوده شود:

الف) در پایان هر فصل، پرسشهایی برای تفکر و مطالعه‌ی بیشتر آورده شده است؛

ب) بعضی جمله‌ها و کلمات به صورت درشت و برجسته چاپ شده‌اند؛
ج) مطالب با علاقه و نیازهای دانشجویان ارتباط داده شده است.

کاربرد محتوا در زندگی

یادگیرنده علاقه دارد که از تأثیر یادگیریهای خود در زندگی آگاه شود، این تأثیر ممکن است جنبه‌های مختلفی داشته باشد: بعضی مطالب در زندگی روزمره انسان، و برخی در زندگی حرفه‌ای و شغلی او مؤثرند. همچنین، بعضی مطالب در زندگی آتی و برخی نیز در زندگی آتی سودمند خواهند بود.

دانشجویان مایل‌اند بدانند «برنامه‌ریزی درسی» در چه جنبه‌ای از زندگی فرد می‌تواند مفید و اثربخش باشد. محتوای این کتاب، اگر به‌خوبی یاد گرفته شود، از چند جهت تأثیر دارد: یکی اینکه در زندگی روزمره مفید خواهد بود. ما برای انجام دادن امور زندگی خود به برنامه‌ریزی نیاز داریم. بدون تردید، مطالعه این مطالب تفکر برنامه‌ای را در فرد تقویت می‌کند و به ذهن او منطقی می‌بخشد.

محتوای این کتاب در مطالعات و تحقیقات شخصی نیز به فرد کمک می‌کند. وقتی که مطلبی را مطالعه می‌کنیم و می‌خواهیم دانش خود را توسعه دهیم اگر هدفمند و با طرح و برنامه حرکت کنیم، موفقیت بیشتری به دست می‌آوریم. سومین تأثیر محتوای این کتاب متبحر ساختن افراد در امور برنامه‌ریزی درسی و تدریس است. فارغ‌التحصیلان رشته‌های علوم تربیتی - در صورت جذب در آموزش و پرورش - به کارهایی مانند تدریس، تألیف و برنامه‌ریزی خواهند پرداخت؛ اشتغال در این حرفه‌ها به تخصص نیاز دارد. هر آموزگاری موظف است برنامه‌ریزی درسی داشته باشد. هر مؤلفی باید بتواند با استفاده از روشها و فنون انتخاب و سازماندهی محتوا، مطالب کتاب را به نحو مطلوب تنظیم کند. فردی که در سازمانهای تعلیم و تربیت به برنامه‌ریزی درسی می‌پردازد به برنامه‌ریزی نیاز مبرم دارد، مخصوصاً آنانی که فرصت خدمت در مراکز برنامه‌ریزی درسی را پیدا می‌کنند احتیاج بیشتری به دانش و مهارتهای این حوزه خواهند داشت.

به علاوه اصولاً دست‌اندرکاران امور علمی و آموزشی در دنیای انفجار اطلاعات باید از طریق آموزشهای مداوم، دانش خود را توسعه بدهند و حاصل مطالعات خود را به دیگران ارائه کنند؛ «برنامه‌ریزی درسی» در انتخاب دانش با اهمیت و سازماندهی به آن به چنین افرادی یاری می‌رساند و به غنای فعالیتهای علمی می‌افزاید.

سخنی با دانشجویان

دوستان خوب و دانشجویان عزیز، خوشحالم از اینکه توانستم کتاب دیگری درباره «برنامه‌ریزی درسی» برای شما بنویسم. گفتگو با شما در این باره برای من بسیار دلپذیر است؛ امیدوارم مطالب این کتاب برای شما مفید باشد. به خوبی می‌دانید که به دو صورت می‌توانیم با محتوای هر کتاب مواجه شویم: یکی اینکه آن را صرفاً به قصد امتحان و با نگاهی سطحی ملاحظه کنیم و نزدیک زمان امتحان، سعی کنیم با حفظ کردن مطالب آن نمره بالاتری بگیریم. یقیناً، این شیوه با شأن دانشجویی همسویی ندارد و نمی‌تواند فرد را به روح علم نزدیک کند. علم جسم و روح دارد. جسم علم همان است که به صورت نظریه‌ها، دیدگاهها، فرمولها و غیره در متن کتابهای درسی ارائه شده است؛ روح علم به قابلیت فکری و ذهنی برای تولید دانش گفته می‌شود.

مطالعه باید فرد را به روح علم متصل کند، یعنی او باید به نحوی مطالعه کند که بتواند با فهم عمیق موضوعات از طریق بازسازی مفاهیم به تولید دانش نزدیک شود. بنابراین در مواجهه با کتابهای گوناگون باید با نگاه تحلیلی و درک عمیق مفاهیم اساسی، مطالب را هضم کنیم و آمادگی و رغبت بیشتری برای مطالعه افزون‌تر و عمیق‌تر به دست آوریم.

نگارنده امیدوار است که شما در مطالعه این کتاب، شیوه دوم را انتخاب کنید و با درک صحیح و همه‌جانبه برنامه‌ریزی درسی به تواناییهای خود بیفزایید. «پیش مطالعه» یکی از توصیه‌های مؤکد نگارنده است: اگر متن درس را از قبل مطالعه کنید و در موقع تدریس نیز فعالیت ذهنی و عملی داشته باشید، موفقیت بیشتری در یادگیری درس به دست می‌آورید.

تأکید دوم در خصوص انجام دادن فعالیت‌های یادگیری و پرسش‌های پایان هر فصل است. این پرسش‌ها، ضمن کمک به یادگیری مطالب درسها، به توسعه دانش نیز یاری می‌رسانند. می‌توانید با دوستان خود درباره فعالیت‌های پیشنهادی بحث کنید و پاسخ‌های غنی‌تری فراهم سازید. هر قدر بیشتر با هم کلاسان خود یا سایر افراد در خصوص موضوعات درسی مباحثه کنید، بدون تردید، به نتایج بهتری خواهید رسید.

سخنی با مدرّسان

مدرّس گرامی، با آرزوی توفیق بیشتر برای جنابعالی، لازم است در خصوص تدریس درس «مقدمات برنامه‌ریزی درسی» چند موضوع بسیار مهم مطرح شود؛ یقیناً از راهنمایی‌های علمی شما برای اصلاح و تکمیل محتوای کتاب استفاده خواهیم کرد:

۱. دانشجویان باید از طریق درس «مقدمات برنامه‌ریزی درسی» با مفاهیم بنیادی و ساختار علم برنامه‌درسی آشنا شوند؛ نباید لفظ «مقدمات» به معنای آسان و سطحی بودن محتوای آن تلقی شود. بنابراین، ضروری است که اصول و مفاهیم اساسی حوزه برنامه‌درسی به خوبی به دانشجویان تدریس شود، تا درس‌های بعدی آسان‌تر و بهتر یاد گرفته شوند.

۲. فعالیت‌های یادگیری و پرسش‌های پایان هر فصل به پیگیری و حساسیت شما نیاز دارد. با اینکه به دانشجویان توصیه شد که در انجام دادن فعالیت‌های مزبور کوشا و پیگیر باشند، ولی توجه و تأکید مدرّس محترم نیز اثر زیادی دارد.

۳. یادگیری دانشگاهی را نمی‌توان به یک کتاب محدود کرد. با اینکه کتاب حاضر منبعی اصلی برای درس «مقدمات برنامه‌ریزی درسی» است، ولی دانشجویان را به منابع و مراجع دیگر نیز راهنمایی کنید تا دانش خود را توسعه دهند. لازم به ذکر است که در یادگیری دانشگاهی از دو آفت باید پرهیز کرد: یکی «رهاشدگی» و دیگری «محدود کردن» آموزش به یک منبع مشخص. شیوه متعادل آن است که یک منبع را محور آموزش قرار دهیم ولی برای تکمیل و توسعه اطلاعات، منابع دیگری نیز معرفی کنیم.